

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۴-۶۷

هرمنوتیک و اصول فقه: نگاهی به انواع قصدی گرای در غرب و مقایسه آن با دیدگاه تفسیری اصولیان شیعه*

علیرضا عابدی سرآسیا^۱

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: Al_abedi_sa57@yahoo.com

دکتر محمدصادق علمی سولا

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: sola-m@ferdowsi.um.ac.ir

دکتر محمدکاظم علمی سولا

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: elmi@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

نظریه معروف در زمینه معنا و تفسیر متن، «قصدی‌گرایی» نامیده می‌شود که می‌گوید: «معنا یا تفسیر یک اثر، با نیت صاحب اثر، مرتبط بوده یا توسط آن تحدید و تعیین می‌گردد». در این جستار، ابتدا مهم‌ترین اقسام قصد و نیت، بررسی شده‌اند، از جمله: (۱) قصد روان‌شناختی و قصد پدیدارشناختی؛ (۲) قصد معنایی، قصد مقوله‌ای، و قصد انگیزشی؛ (۳) قصد واقعی و قصد فرضی؛ (۴) قصد درونی و قصد بیرونی. سپس، انواع مختلف قصدی‌گرایی، از یکدیگر متمایز گشته و توضیح داده شده‌اند. قصدی‌گرایی می‌تواند تقسیم شود به: (۱) قصدی‌گرایی معنایی و قصدی‌گرایی تفسیری؛ (۲) قصدی‌گرایی واقعی و قصدی‌گرایی فرضی (قصدی‌گرایی واقعی، شامل هر یک از (الف) افراطی یا (ب) معتدل، و قصدی‌گرایی فرضی، شامل هر یک از (الف) اصلی یا (ب) عصری)؛ (۳) قصدی‌گرایی انحصاری و قصدی‌گرایی شمولی. در پرتو این تمایزها، نقاط اشتراک و اختلاف دو دیدگاه قصدی‌گرایی غربی و قصدی‌گرایی شیعی، روشن گردیده است.

کلید واژه‌ها: هرمنوتیک، قصدی‌گرایی واقعی و فرضی، قصدی‌گرایی معتدل و افراطی، قصدی‌گرایی انحصاری و

شمولی قصدی‌گرایی اصلی و عصری.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۹/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۰۳/۲۴.

^۱. نویسنده مسؤل

(١) مقدمه: تعریف قصدی گرای و مؤلف محوری

در زمینه معنا و تفسیر متن، دو نظریه مهم و اصلی وجود دارد که عبارتند از: قصدی گرای و قصدی ستیزی. در همین راستا نیز می توان نظریه های هرمنوتیک را به دو دسته «هرمنوتیک قصدی گرا» و «هرمنوتیک قصدی ستیز» تقسیم کرد. در ابتدا توضیح مختصری درباره این دو نظریه ارائه می کنیم.

نظریه مشهور و پرسابقه در زمینه معنای متن، این است که مؤلف، منبع و منشأ معنای اثر بوده و حدود آن را تعیین می کند؛ (یا دست کم، مؤلف یکی از عوامل تشکیل دهنده معنای متن است).

این نظریه، در قلمرو تفسیر نیز وارد شده که بر اساس آن، هدف مطلوب و دست یافتنی از فهم و تفسیر متون، رسیدن به نیت و مقصود مؤلفان آن هاست. این نظریه معمولاً با عنوان: «قصدی گرای»^١ و احياناً: «ایدئولوژی مؤلف»^٢ (آلن،^٣ ص ٧٢) و در اصطلاح معناشناسی، نظریه «قطعیت به نیت مؤلف» (فضیلت، ص ١٦٥) نامیده می شود. از این نظریه در فارسی معمولاً با عنوان «مؤلف محوری» یاد می گردد.

در تعریف قصدی گرای آمده است: «عقیده یا فرض این که معنای متن، اساساً با قصد مُصَرِّح (تصریح شده) یا ضمنی مؤلف، تعیین گشته است»^٤. در مقاله «تفسیر و قصد» می خوانیم: «قصدی گرای عبارت است از این نظریه که نیت واقعی هنرمندان، با تفسیر اثری که می آفرینند مرتبط است» (نوئل،^٥ ص ٧٥).

در کتاب هرمنوتیک طبیعی، این نظریه از قول دانبرگ و مولر،^٦ «تز هویت» نامیده شده و این گونه تعریف گشته است: «تز هویت [به این معناست که] معنای متن، مطابق با قصد مؤلف شکل می گیرد» (مانزاوینس،^٧ ص ١٤٧). بنا به اظهار برخی، این عنوان، برچسبی است که بردزلی به نظریه هرش زده است (میکنن،^٨ فصل ٢؛ ونیز ببینید: لامارک،^٩ ص ١٧٩).

در حقیقت تمامی این تعریف ها، تفسیری مضیق از قصدی گرای اند و شامل اقسام مختلف آن نمی شوند. شاید بتوان با توجه به اقسام مختلف قصدی گرای، تعریف ذیل را جامع تر از سایر تعاریف دانست:

«قصدی گرای عبارت است از این نظریه که معنا یا تفسیر یک اثر با نیت صاحب اثر، مرتبط بوده یا

1. Intentionalism.

2. The ideology of the author.

3. Allen, Graham.

4. (See. www.thefreedictionary.com/intentionalism, & www.bartleby.com/61/5/I0180575.)

5. Noël, Carroll.

6. Danneberg, Lutz, and Hans-Harald Müller.

7. Mantzavinos, Chrysostomos.

8. Mikkonen, Jukka.

9. Lamarque, Peter.

توسط آن تحدید و تعیین می‌گردد»^۱.

در مقایسه دو اصطلاح «قصدی‌گرایی» و «مؤلف‌محوری» باید گفت اگر چه ظاهراً این دو اصطلاح، معادل یکدیگر به نظر می‌آیند؛ اما با کمی دقت، می‌توان گفت: مؤلف‌محوری اعم از قصدی‌گرایی است و شامل دو نظریه قصدی‌گرایی و ذهنی‌گرایی می‌شود (توضیح بیشتر این مطلب، ذیل بحث از قصد روانشناختی خواهد آمد).

قصدی‌گرایی، نظریه قریب به اتفاق متفکران قبل از قرن بیستم میلادی محسوب می‌شود. قصدی‌گرایی در غرب، اگر چه در میان طرفداران هرمنوتیک مدرن نیز پیروانی دارد (بینید: احمدی، ص ۴۹۷)، اما آموزه اصلی هرمنوتیک کلاسیک دانسته می‌شود.

کسانی که کشف نیت مؤلف را در تفسیر، غیر ممکن یا نامطلوب می‌شمارند؛ و یا اساساً برای مؤلف هیچ گونه منشئیت و عاملیتی در معنای اثر قایل نیستند و به تعبیری، معنای اثر را یکسره، بیگانه از مؤلف و قصد او می‌شمارند، در مقابل گروه قصدی‌گرا، قرار می‌گیرند. این نظریه در تقابل با قصدی‌گرایی، «قصدی‌ستیزی»^۲ (اسپورهایز^۳، ص ۸۱؛ میکنن، فصل ۱؛ استکر^۴، ص ۲۰۸)، و در شکل حاد آن، «نظریه مرگ مؤلف»^۵ (از رولان بارت) نامیده می‌شود.

در دوران معاصر، با وجود شدت یافتن موج قصدی‌ستیزی در برابر «قصدی‌گرایی»، هنوز این نظریه طرفداران بسیار دارد (بینید: هوی، صص ۷۴-۷۳؛ احمدی، ۵۹۰). «تفسیر قصدی‌گرا، در حالی که دهه‌ها به عنوان یک مغالطه لحاظ می‌شد، در میان فیلسوفان هنر، شروع به جذب پیروانی نموده است» (نوئل، ص ۷۵). وانهورز^۶ به عنوان یکی از معاصران و صاحبان تألیف در این زمینه می‌نویسد: «قصد هنوز هم اصل، هدف، و راهنمای تفسیر متنی است» (ولترستورف^۷، ص ۴۸).

برای مقایسه میان دو دیدگاه قصدی‌گرایی در غرب و قصدی‌گرایی اصولیان شیعه، ضروری است تا ابتدا، به اقسام قصد و نیت اشاره کنیم.

۱. عبارت «معنا یا تفسیر»، برای اشاره به قصدی‌گرایی معنایی و تفسیری است؛ واژه ی «نیات»، تمامی اقسام قصد را که ذکر خواهد شد در بر می‌گیرد؛ عبارت «مرتبط بوده» راجع به قصدی‌گرایی شمولی، و عبارت «تحدید و تعیین می‌گردد» مطابق با قصدی‌گرایی انحصاری است. هر چند در قصدی‌گرایی انحصاری نیز معنا یا تفسیر متن به نوعی «مرتبط» با قصد است؛ اما عبارت «تحدید و تعیین می‌گردد» برای تأکید و اشاره به دو نوع رویکرد متفاوت آمده است.

2. Anti-intentionalism.

3. Spoerhase, Carlos.

4. Stecker, Robert.

5. The Death of the Author.

6. Kevin J. Vanhoozer.

7. Wolterstorff, Nicholas

۲) مفهوم و اقسام قصد و نیت

واژه «قصد» و «نیت» در فارسی، معادل «مقصود»، «مراد» و «مرام» در عربی، و «intention» و «intent» در انگلیسی است که تقریباً معنای مشابه و روشنی دارند؛ اما این که در عبارت «قصد مؤلف» منظور از این واژه چیست، ابهام‌ها و اختلاف‌هایی وجود دارد که خود منجر به پیدایش اقسامی برای آن شده است. مهم‌ترین این اقسام را (که قابل تداخل با یکدیگرند) در ذیل توضیح می‌دهیم.

۲-۱. قصد روان شناختی و قصد پدیدار شناختی

قصد روان شناختی، مربوط به کنش روانی مؤلف در خصوص آفرینش متن است و در حقیقت، مجموعه‌ای از تصورات آگاهانه و ناآگاهانه مؤلف، نسبت به موضوع یا واژه‌ای خاص است. اما قصد پدیدارشناختی، به معنای جهت‌گیری ذهن به سوی چیزی است؛ همان معنایی از اثر است که با توجه آگاهانه مؤلف - در میان معانی متعدد و محتمل اثر - تعیین یافته است؛ معنایی از اثر که مؤلف، معمولاً در صدد انتقال و تفهیم آن به مخاطبان بوده و به بیانی ساده، آن را معنای درست اثر خود می‌داند.

از آن جا که قصد پدیدارشناختی (بر عکس قصد روان شناختی که ممکن است غیر آگاهانه باشد)، امری کاملاً آگاهانه است؛ و مؤلف نیز معمولاً در صدد انتقال و بیان چنین قصدی است، به طور نسبی در متن تحقق یافته و آثار روشنی از خود به جای می‌گذارد؛ نیت مؤلف، به نوعی، «در اثر رخنه کرده و در آن به نمایش در می‌آید.» (میکنن، فصل سوم) این آثار و نشانه‌های به جای مانده از قصد که گاهی «اظهار یا اظهار قصد» نامیده می‌شوند (میکنن، فصل ۳؛ استکر^۱، ص ۳۲)، کاملاً جنبه زبان شناختی دارد و برگرفته از مشترکات قراردادی زبان‌اند. شاید به همین مناسبت؛ و یا به این جهت که مؤلف معمولاً در صدد است تا این قصد را با نشانه‌های زبانی بیان نماید بتوان، آن را «قصد زبان شناختی» نیز نامید (برای نمونه ببینید نظریه هرش در مورد قصد را در: هوی، ص ۱۰۱؛ احمدی، صص ۵۹۴ و ۵۹۲-۵۹۱).

در یک مفهوم دقیق، قصد روان شناختی را اساساً نمی‌توان قصد نامید؛ چرا که قصد، جهت‌گیری آگاهانه ذهن به سوی چیزی است؛ در حالی که این مفهوم در مورد «مجموعه تصورات آگاهانه و غیر آگاهانه شخص نسبت به یک چیز» صادق نیست. نظریه‌ای که در پی کشف چنین تصوراتی باشد، نوعی ذهن‌گرایی است با هدف مؤلف آشکاری و نه قصد‌گرایی با هدف مراد آشکاری؛ «با توجه به نظریه‌های دلالت، این نوع برداشت از معنا را می‌توان به این صورت بیان کرد: معنای هر واژه عبارت است از تصور ذهنی (یا تصورات ذهنی) مرتبط با آن واژه در ذهن سخن‌گویان» (فضیلت، صص ۸۳-۸۲). شاید با دقتی بیشتر، بتوان آن را نوعی مؤلف‌محوری نامید؛ به این معنا که مؤلف محوری را به دو قسم قصدی

1. Stecker, Robert.

گرایی و ذهنی‌گرایی تقسیم‌نماییم. بر این مبنا، مؤلف محوری اعم از قصدی‌گرایی خواهد بود.

۲-۲. قصد معنایی، قصد مقوله‌ای، و قصد انگیزشی

گاهی دو دسته از نیات مؤلفانه از یکدیگر متمایز می‌شوند: نیات معنایی^۱ و نیات مقوله‌ای^۲ (ببینید: لامارک، ص ۱۸۶؛ میکنن، فصل ۲). دسته دیگری را نیز باید بر آن افزود: نیات انگیزشی. نیات معنایی مربوط به معنای خاصی است که یک مؤلف، از میان معانی مختلف یک واژه یا عبارت، مد نظر داشته است؛ مثلاً مؤلف از عبارت «شیر در بادیه است» معنای «حیوانی به نام شیر در بیابان است» را منظور داشته نه «مایعی خوراکی به نام شیر در ظرف است». نیات مقوله‌ای مربوط به نوع و مقوله خاصی است که یک مؤلف، از میان انواع و مقوله‌های مختلف (و به تعبیری ژانرهای ادبی) مد نظر داشته است؛ مثلاً مؤلف، فلان کتاب خود را به طنز نوشته است نه جدی؛ متن داستانی نگاشته است نه علمی. نیات انگیزشی مربوط به انگیزه‌ای است که موجب تدوین اثر گشته است؛ مثلاً مؤلف، فلان کتاب خود را با انگیزه کسب شهرت یا کسب درآمد نگاشته است.

برخی معتقدند آن چه ولف^۳، کلادنیوس^۴ و دیگر صاحب نظران عصر روشن فکری از «مقصود مؤلف» اراده می‌کردند، قصد مقوله‌ای بوده است؛ هرچند نیت معنایی را نیز انکار نمی‌کردند: اساساً، «ولف در خصوص معنای یک متن مفروض، مشکلی نداشت. به نظر او کلمات و جملات، اگر درست به کار برده شوند، همواره معنایی را که مؤلف، منظور داشته می‌رسانند» (ریخته‌گران، صص ۵۸-۵۷ و ۶۳-۶۲).

۲-۳. قصد واقعی و قصد فرضی

قصد واقعی^۵ چیزی است که مؤلف حقیقی، واقعاً قصد کرده است و در مقابل، قصد فرضی^۶ چیزی است که مخاطب آرمانی، آن را به عنوان قصد مؤلف، فهم و تلقی نماید. توضیح بیشتر این مطلب در بحث قصدی‌گرایی واقعی و فرضی می‌آید.

۲-۴. قصد درونی و قصد بیرونی

قصد درونی، همان نیت مؤلف است که به خوبی در متن تحقق یافته باشد به گونه‌ای که بتوان، شواهد و مدارک معتبری، از خود متن (یا متصل به متن)^۷ در تعیین آن ذکر کرد؛ برعکس قصد بیرونی، در متن

1. semantic intentions.

2. categorial intentions.

3. F.A.Wolf.

4. Chladenius, Johann Martin.

5. Actual intention

6. Hypothetical intention.

۷. مقصود از متصل به متن، همان چیزی است که در اصول فقه، قراین متصل نامیده می‌شوند؛ مثل شواهد لفظی درون متنی، فهم عرفی مخاطبان، و بافت و سیاق کلام. البته باید توجه داشت که مقصود، شواهد متصل به متن است نه همان عبارتی که قصد تفسیر آن را داریم؛ پس در این اصطلاح، عبارتی که در آخر یک متن، عبارت ابتدای متن را تفسیر می‌کند (شاهد لفظی درون متنی)، قرینه‌ی متصل

تحقق نیافته و شواهد خاصی از خود متن (یا متصل به متن) در تعیین آن وجود ندارد. قصد درونی، با شواهد متنی، تأیید و تعیین می گردد؛ و قصد بیرونی، ممکن است توسط شواهد فرامتنی، تأیید و تعیین گردد.

از طرفی لازم است بر اساس اصطلاحات اصول فقه، قصد بیرونی را به: قصد مخالف نص، و قصد مخالف ظاهر^۱، تقسیم نماییم. قصد مخالف ظاهر، با یکی از احتمالات معنایی متن - هر چند احتمالی مرجوح و ضعیف - سازگار است، و از این رو به نوعی توسط خود متن پشتیبانی می شود؛^۲ اما قصد مخالف نص، با هیچ یک از احتمالات معنایی متن سازگار نیست، و از این رو توسط متن، پشتیبانی نمی گردد و نسبت دادن آن به متن، مستلزم نقض متن و تصرف در عبارات آن است. پس در حقیقت، قصد درونی، موافق با نص یا ظاهر اثر است؛ و قصد بیرونی، مخالف با نص یا ظاهر اثر.^۳

۲-۵. قصد واقعی و قصد ظاهری

از برخی عبارات اصولی به دست می آید که گاهی هدف از فهم، کشف مراد واقعی است و از این رو، باید به ظهور فعلی و شخصی توجه کرد؛ در این موارد، تنها در صورتی می توان بر طبق ظاهر کلام، عمل کرد که برای شخص مفسر، اطمینان حاصل شود که ظاهر کلام، مقصود متکلم نیز بوده است. اما در فهم متون شرعی - که مقام، مقام احتجاج و التزام به کلام است - هدف از فهم، دست یابی به «حجت» است و از این رو ظهور نوعی، کفایت می کند؛ به عبارت دیگر، همین اندازه که عبارت، شأنیت و قابلیت افاده یک معنا را با احتمال بیشتری داشته باشد، و در نظر نوع افرادی که آشنا با آن لغت اند، چنین معنایی داشته باشد (و به تبع، همان معنا را مقصود صاحب عبارت بدانند)، کافی است و لزومی ندارد تا شخص مفسر به این مطلب که ظاهر عبارت، مقصود صاحب عبارت نیز بوده، اطمینان یا حتی گمان پیدا کند (ببینید: کاظمی خراسانی، ج ۱-۲، صص ۵۴۷-۵۴۶؛ خوئی، ج ۲ ص ۹۴؛ منتظری، ص ۴۶۹؛ و نیز ببینید، توجیه شهید صدر، ج ۲ ص ۱۷۱).

باید توجه داشت که سخن فوق، منافاتی با قصدی گرایی ندارد؛ بلکه نهایتاً قصدی گرایی را به دو دسته تقسیم می کند. این افراد نیز قصدی گرایی؛ زیرا اولاً همان گونه که خواهد آمد، تمامی اصولیان شیعه، قصدی گرایی و در جای جای تألیفات خود، با تصریح یا اشاره بیان کرده اند که هدف از فهم متون

به متن محسوب می شود؛ هر چند نسبت به خود آن عبارت، منفصل است. در حقیقت، این عبارت مفسر، نیتی را تبیین و تعیین می کند که نسبت به متن، درونی است.

۱. «نص» عبارتی است که در آن مقصود صاحب عبارت، کاملاً واضح بوده و در مورد آن تنها یک احتمال وجود دارد؛ در مقابل آن اصطلاح «ظاهر» است؛ یعنی عبارتی که در مورد مقصود گوینده از آن، چند احتمال وجود داشته اما یک احتمال آن، بر اساس قواعد زبانی و محاوره ای، قوی تر، و آشکارتر باشد. برای توضیح بیشتر، ببینید: مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۲.

۲. ببینید: قصدی گرایی واقعی معتدل، در همین مقاله.

۳. تأکید می شود که در این موارد، مقصود از اثر، تمامی آن به عنوان یک پیکر واحد است و نه یک عبارت خاص در یک قسمت از متن.

شرعی دست‌یابی به قصد صاحب‌متن است و ثانیاً توجه به ظهورات کلام، اهمیت استقلالی نداشته و به جهت کاشفیت نوعی آن از قصد، اهمیت دارد.

از آنجا که متون قانونی و شرعی باید دارای ویژگی ضابطه‌مندی و مسدود کردن راه‌های قانون‌گریزی باشند، نمی‌توان حجیت این متون را مشروط به ظهور شخصی نمود؛ زیرا چنین چیزی، امر حجیت را کاملاً شخصی کرده و بهترین راه فرار از قانون خواهد بود. پس مصلحت قانون‌مندی و ضابطه‌مندی قوانین، در گروه اعتبار بخشیدن به ظهور نوعی است نه ظهور شخصی (برای مطالعه بیشتر ببینید؛ روحانی، ج ۳، ص ۱۰۴؛ ایروانی، ج ۲ ص ۵۲).

بر این اساس که قصدی‌گرایی را به دو قسم تقسیم کردیم، می‌توان یک هدف را کشف قصد واقعی و دیگری را کشف قصد ظاهری نامید. در حقیقت، قصد ظاهری، همان قصد واقعی است اما از نگاه عرف و اهل محاوره، و نه از نگاه خود شخص. با این توضیح حتی می‌توان گفت هر دو دسته، به دنبال قصد واقعی‌اند؛ ولی در یکی، کشف قصد واقعی از دید خود شخص؛ و در دیگری، کشف قصد واقعی از دید عرف؛ یعنی قصدی که احتیاج به آن صحیح است. همچنین می‌توان این تقسیم را مشابه با قصد واقعی و فرضی در غرب دانست.

۲-۶. قصد استعمالی و قصد جدی

در علم اصول فقه، قصد و اراده در مقام تکلم و مخاطب، به دو نوع ترسیم گشته است: قصد و اراده استعمالی، و قصد و اراده جدی. قصد استعمالی به این معناست که متکلم، قصد به کار بردن لفظ در معنای خودش را داشته باشد. قصد جدی به این معناست که متکلم، معنای لفظی را که استعمال کرده، قصد و اراده نموده است (مشکینی، ص ۳۰؛ و نیز ببینید؛ خوئی، ج ۱ ص ۳۲). گاهی قصد استعمالی را قصد تفهیمی، و قصد جدی را قصد واقعی می‌نامند (حکیم، ج ۴، صص ۲۱۲-۲۰۸). کسی که در خواب یا به اشتباه، الفاظی را به زبان می‌آورد، قصد استعمال آن الفاظ را نداشته است (عدم قصد استعمالی) و کسی که به شوخی آن الفاظ را به زبان می‌آورد، قصد استعمال آن الفاظ را داشته اما جدیت در آن نداشته است (قصد استعمالی بدون قصد جدی) (برای مطالعه بیشتر ببینید؛ سبحانی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ سبحانی، ج ۱ ص ۱۹۷، انصاری، ج ۲، ص ۴۵۸).

۳) اقسام قصدی‌گرایی

برای نظریه قصدی‌گرایی تقسیماتی مطرح شده که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. قصدی گرای معنایی و قصدی گرای تفسیری

همان گونه که در توضیح قصدی گرای اشاره نمودیم، قصدی گرای دارای دو شکل و یا دو تفسیر است که یکی مربوط به نظریه ی معنا و دیگری مربوط به نظریه ی تفسیری و هدف فهم است. تمایز نهادن میان این دو جنبه، از این رو اهمیت دارد که ممکن است کسی نظریه ی قصدی گرای را در یک سو بپذیرد و در دیگری نه. «ممکن است کسی هدف تفسیری را شناخت قصد (یا قصد اظهارشده)^۱ بداند بدون این که ادعا داشته باشد که قصد، معنای اثر را تشکیل داده است. به تناوب، ممکن است کسی معتقد باشد که معنای اثر، گرفتار و در بند قصد واقعی هنرمند است؛ بدون اعتقاد به این که یگانه هدف تفسیر، تعیین معنای اثر است. البته، اکثر قصدی گرایان، می توانند هر دو تفسیر را بپذیرند» (استکر، ۲۰۰۳، ص ۵۰). ما، شکل اول قصدی گرای را «قصدی گرای معنایی» و شکل دوم آن را «قصدی گرای تفسیری» می خوانیم.

۳-۲. قصدی گرای واقعی و قصدی گرای فرضی

قصدی گرای واقعی به دنبال فهم قصد واقعی، یعنی آن چه مؤلف حقیقی، واقعاً قصد کرده می گردد؛ اما قصدی گرای فرضی در پی کشف قصد فرضی، یعنی آن چه مخاطبان آرمانی به عنوان معنای مقصود می فهمند، است (استکر، ص ۴۱؛ لامارک، ص ۱۸۵). مخاطب آرمانی کسی است که کاملاً از «ساختار درونی اثر و زمینه احاطه کننده مرتبط با آفرینش اثر» مطلع باشد (لامارک، ۲۰۰۶، ص ۱۸۵). به عبارت دیگر، وظیفه ی منتقد این است که قصد مؤلف را از دیدگاه یکی از اعضای آرمانی مخاطبان موردنظر، فرض، طراحی، و پیش بینی^۲ کند (لامارک، ص ۱۸۵؛ و نیز ببینید؛ نوئل، ص ۷۵؛ دیویس، ص ۲۲۳). در حقیقت، «معنای اثر، نه به عنوان چیزی که هنرمند حقیقی، واقعاً قصد کرده است؛ بلکه دقیقاً، به عنوان آنچه مخاطب - در پرتو مفروضات زمینه ای معین - بایسته یا شایسته است به عنوان معنای موردنظر (قصد شده) بفهمد، معین و تعریف می شود؛ این قصد را قصد فرضی و این نظریه را قصدی گرای فرضی بنامید» (استکر، ص ۴۱). «قصدی گرای فرضی مدعی است تفسیر درست از کارهای هنری، توسط بهترین پنداشت از نیت هنرمند محدود می شود». (نوئل، ص ۷۵) به عبارت دیگر، در قصدی گرای فرضی، «تفسیرها به عنوان آنهایی که با بیشترین احتمال، توسط یک مؤلف مفروض، قصد شده اند تصدیق می گردند» (دیویس، ص ۲۲۳).

یکی از طرفداران پس از تعریف قصدی گرای واقعی، «به عنوان این دیدگاه که تفسیر درست از یک اثر هنری، قصد هنرمند را که در اثر اظهار شده است تشخیص می دهد» بیان می دارد: «قصدی گرای

1. Or expressed intention

2. Hypothesize

واقعی، اغلب بد نمایش داده می‌شود. گاهی با نقادی زندگی نامه‌ای که آن را در بالا رد کردیم، اشتباه می‌شود. [در نقادی زندگی نامه‌ای... شخص، سعی می‌کند تا اندازه‌ای که امکان دارد، در مورد زندگی شاعر بداند و سپس سعی می‌کند - اگر چنین چیزی ممکن باشد - معنای شعر را از آنچه که در زندگی شاعر، در نزدیکی زمان نگارش اتفاق افتاده، دریابد. (استکر، ص ۳۰)] همچنین گاهی قصدی‌گرایی واقعی، به عنوان این نظریه شناخته می‌شود که تفسیر صحیح از اثر، تفسیر خود هنرمند از آن است؛ در حالی که [تفسیر هنرمند]، به طور آشکار از اظهار قصد، متمایز نگشته است. این شناخت، به طور مضاعف، گسیج‌کننده است. اولاً، اظهار قصد، به طور کلی، با تفسیر رفتار شخصی این نفر، یکسان نمی‌شود. عبارت: «من برای رفتن به بانک، قبل از این که بسته شود، برنامه ریزی کرده‌ام» یک اظهار (یا حداقل یک گزارش) از قصد است و نه یک تفسیر. اما عبارت «فکر می‌کنم به محض این که از خانه خارج شدم به بانک رفتم»، تفسیری از رفتار است و نه یک اظهار (یا گزارش) از قصد. نمی‌توان انکار کرد که موقعیت‌های مشخصی وجود دارد که تمایز گزاردن بین این دو دشوار است. ثانیاً، تفسیر هنرمند از اثر، و اظهار یا گزارش او از قصدش که نسبت به اثر، امری خارجی اند؛ هیچ‌یک به طور خودکار، تفسیر صحیح اثر را تشکیل نمی‌دهند. تفسیر هنرمند از اثرش، ممکن است از تفسیر دیگران، بهتر نباشد، و اغلب نیز بدتر است. اظهار قصد، ممکن است غلط، ناصادقانه باشد، یا اگر قبل از کامل شدن اثر منتشر شده باشد، می‌تواند پیش از آن که محقق گردد، کنار زده شود» (استکر، ص ۳۲).

به این نکته باید توجه داشت که قصدی‌گرایی فرضی یا واقعی (آن گونه که از برخی تعاریف برمی‌آید مستلزم این نیستند که معنای اثر را محدود به نیت مؤلف آن بدانیم؛ این تحدید و تعیین، نتیجه پذیرش مبنایی دیگر است که موجب قصدی‌گرایی انحصاری می‌شود که در بحث بعدی به آن می‌پردازیم).
قصدی‌گرایی واقعی، خود به دو قسم معتدل و افراطی تقسیم می‌شود.

براساس قصدی‌گرایی واقعی معتدل^۱، «تفسیر صحیح از یک اثر هنری، با قصد واقعی مؤلف، که خودش توسط اثر هنری پشتیبانی می‌شود سازگار است» (نوئل،^۲ ص ۷۵). قصدی‌گرایی واقعی معتدل، به دنبال «تصاویر رونوشت، از عقاید، نگرش‌ها، تجارب، احساسات، و افکار مؤلف نیست (میکنن، پی نوشت ۱۰). و «تنها آن نیاتی را مهم می‌داند که متن می‌تواند از آن‌ها حمایت کند. در قصدی‌گرایی واقعی معتدل، معنای یک اثر، توسط معنای متنی یا معنای توالی و پی‌رفت واژه^۳، و بهترین اطلاعات،

1. Moderate actual intentionalism.

2. Noel Carroll.

3. word sequence meaning.

مشمول است بر شواهدی از قبیل زمینه تاریخی - هنری اثر، عقاید رایج مخاطبان معاصر، زندگی‌نامه عمومی مؤلف، اثر عمده او، و از این قبیل» (میکنن، فصل ۲).

از توضیحات بالا می‌توان فهمید که قصدی گرای واقعی معتدل، اولاً تنها در پی دستیابی به نیاتی است که از یک سو، نیات پدیدارشناختی باشند نه روان‌شناختی و از سوی دیگر، توسط خود متن پشتیبانی گردند. ثانیاً این نظریه، از شواهد فرامتنی (همچون زندگی‌نامه و آثار دیگر مؤلف، و عقاید رایج در زمان پیدایش متن) غفلت نمی‌کند. مورد حمایت متن بودن نیت، به علاوه جواز استفاده از شواهد فرامتنی در تعیین آن، نشان می‌دهد که مراد از پشتیبانی متن، این است که معنای مقصود، نباید مخالف نص متن باشد؛ بلکه دست کم، باید با یکی از احتمالات متن - هرچند احتمالی مرجوح و ضعیف - موافق باشد. پس در قصدی گرای معتدل، تنها آن نیاتی می‌توانند بر متن تحمیل شوند که یا موافق با ظاهر متن باشند و یا اگر چه مخالف با ظاهر متن اند، شواهد فرامتنی معتبری آن‌ها را تأیید کند. این دو دسته، نیاتی هستند که توسط متن، پشتیبانی می‌شوند. اما معنایی که مخالف با نص متن است، از آن جا که توسط متن، پشتیبانی نمی‌شود، نمی‌تواند به این بهانه که مقصود مؤلف بوده است بر متن تحمیل گردد.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان، قصدی گرای واقعی افراطی^۱ را، به عنوان نظریه مقابل و بدیل آن، شناخت. در قصدی گرای افراطی، هدف از تفسیر، دست‌یابی به نیات مؤلف است، خواه این نیات توسط اثر، پشتیبانی شوند یا نشوند و اعم از این که نیات روان‌شناختی باشند یا پدیدارشناختی.

برای قصدی گرای فرضی نیز می‌توان انواع مختلفی را یافت (دو قسم: حدسی و افسانه‌ای^۲؛ ببینید: اسپورهیز، ص ۸۱)؛ اما آن چه با ملاحظه بحث ما اهمیت می‌یابد این است که باید بین دو نوع از آن تمایز قایل شد. بیان شد که قصد فرضی، در حقیقت بهترین برداشت مخاطبان و به تعبیری برداشت عرفی، از قصد مؤلف است؛ اما این مخاطبان چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ و کدام عرف، مقصود است، یک دیدگاه می‌تواند این باشد که مفسر باید به فهم و برداشت مخاطبان اولیه و معاصر متن دست یابد؛ به این معنا که این متن، از نگاه مخاطبان اصلی و اولیه آن، چه معنایی می‌توانست داشته باشد و مقصود صاحب اثر، در نگاه آنان که به خاطر معاصر بودن با مؤلف، با واژگان و زمینه متن و شواهد و قراین پیوسته و ناپیوسته آن، کاملاً آشنا بوده‌اند. چه بوده است. در حقیقت در این دیدگاه، مفسر باید به تعبیر اصولی - به ظهور نوعی این کلام در عصر صدور آن، دست یابد. پس معنای اصلی متن در عرف زمان صدور، منظور است. اما دیدگاه دوم، می‌تواند این باشد که مفسر باید از موضع و افق معنایی عصر خودش، معنای مقصود مؤلف را کشف یا به تعبیری بازسازی نماید. در حقیقت، هدف فهم در این دیدگاه،

1. Extreme actual intentionalism.

2. Conjectural & Fictional.

رسیدن به توافق با مؤلف در شرایط کنونی است؛ به عبارت دیگر، مفسر در صدد است تا دریابد اگر مؤلف در شرایط کنونی، او را مخاطب قرار می‌داد، به او چه می‌گفت و از او چه می‌طلبید؛ یعنی نوعی فهم عصریِ قصدی گرا که آمیخته‌ای از مؤلف محوری و مفسر محوری است. شاید نظریهٔ قصدی گرایانی فرضی نظیر ویلیام.ای. تولهرس^۱ و جرال لویسنون^۲، که معنای ادبی را به «معنای اظهار» پیوند می‌دهند، و نه به معنای گوینده یا اظهار کننده، از همین قبیل باشد؛ زیرا از نظر ایشان، معنای اظهار عبارت است از: «آگاهانه ترین طرح و پیش بینی ما از معنای مورد نظر مؤلف، براساس موضع خودمان به عنوان مفسران مورد نظر» (لامارک، ص ۱۸۵-۱۸۶).

همچنین می‌توان توجه برخی از دانشمندان فقه و اصول به «نقش زمان و مکان در اجتهاد» را، البته بنا بر یکی از تفاسیر آن، بر همین مبنا توجیه و تأویل کرد (برای نمونه ببینید: مطهری، ج ۲؛ امام خمینی، ج ۲۱، صص ۹۸ و ۹۹؛ معرفت، ص ۵۸؛ مکارم شیرازی).

قسم اخیر را «قصدی گرای عصری»، و قسم قبلی را -که به معنای اصیل مورد نظر مؤلف می‌اندیشد- «قصدی گرای اصلی» می‌نامیم.

۳-۳. قصدی گرای انحصاری و قصدی گرای شمولی

به نظر نگارنده، علاوه بر اقسام فوق، باید تقسیم دیگری را نیز در مورد قصدی گرای مطرح کرد که شاید بتوان آن را قصدی گرای انحصاری و قصدی گرای شمولی نامید. قصدی گرای انحصاری در حیطة معنا (قصدی گرای معنایی انحصاری)، آن است که قصد صاحب اثر را تمام معنای اثر تلقی کرده، و معنای فراتر از نیت او را اساساً معنای اثر او ندانیم. قصدی گرای انحصاری در حیطة هدف تفسیری (قصدی گرای تفسیری انحصاری) آن است که تنها هدف معتبر در تفسیر را کشف قصد و نیت صاحب اثر تلقی کرده و سایر هدف‌ها را غیر مشروع و نامعتبر بدانیم.

قصدی گرای شمولی در حیطة معنای اثر (قصدی گرای معنایی شمولی) این است که معنای مقصود صاحب اثر را تنها یکی از معانی ممکن و معتبر اثر بدانیم و در عین حال، برای اثر، معانی معتبر دیگری نیز قایل باشیم. قصدی گرای شمولی در حیطة هدف تفسیر اثر (قصدی گرای تفسیری شمولی)، این است که کشف معنای مقصود صاحب اثر را به عنوان یکی از هدف‌های صحیح و ممکن تفسیر بر شمرده و در عین حال، به هدف‌های دیگری نیز غیر از آن باور داشته باشیم.

شاید بتوان گفت این تقسیم، مشابه با تفسیر موسّع و مضیق از قصدی گرای است: «تفسیر مضیق از نظریهٔ قصدی گرای، نظریهٔ ای.دی. هرش است که بردزلی به آن، برچسب «تز هویت» زده است، و مدعی

1. William E. Tolhurst.

2. Jerrold Levinson.

است که معنای یک اثر داستانی، معنایی است که مؤلف در حروف چینی آن، قصد کرده است؛ در حالی که تفسیر موسع، استدلال می‌کند که نیت مؤلف داستان، با معنای اثر مرتبط است، یا در برخی مفاهیم، آن را تعیین می‌کند... تفسیر موسع،... معتقد نیست که تفسیر صحیح از یک اثر داستانی، باید کاملاً با مؤلف واقعی تعیین گردد؛ بلکه بر این باور است که نیت مؤلف، در تفسیر، مهم اند.» (میکنن، فصل دوم).

۴) نظریه قصدی گزایی اصولیان شیعه

با مطالعه کتب اصولی، می‌توان به خوبی دریافت که دانشمندان اصولی، به اتفاق قصدی گرا هستند؛ مگر شیخ مفید که صرفاً در مورد کلام الهی، متن محور است. برای توضیح مطلب، دامنه بحث را قدری گسترده تر می‌کنیم. به طور کلی در نظریه تفسیری متفکران اسلامی، می‌توان سه هدف تفسیری متفاوت را شناسایی نمود که عبارتند از:

۱) شناخت مقصود صاحب اثر به طور مطلق (چه مدلول کلام باشد یا نباشد).

۲) شناخت مدلول کلام بطور مطلق (چه مقصود صاحب اثر باشد یا نباشد).

۳) شناخت مدلولی که مقصود صاحب اثر باشد.

دیدگاه اصولیان شیعه، مطابق با مورد سوم است.

ممکن است گفته شود در دیدگاه اصولی، مدلول بر مراد، تقدم دارد و شاهد در این مدعا، مباحث گسترده ای است که اصولیان در مورد وضع و موضوع له و مدلول هیأت‌ها (مثل صیغه و ساختار جملات امری) و برخی مواد (مثل واژه امر و نهی) مطرح می‌کنند (آن گونه که در مقاله: اصول الفقه الاسلامی والهرمنیوطیقا نوشته سید صدر الدین طاهری پنداشته شده است)؛ اما این مطلب صحیح نیست؛ زیرا بحث از امور یاد شده، صرفاً برای تشخیص ظهورات کلام است ولی این گونه نیست که ظهورات، به خودی خود ارزش داشته و حجت باشند؛ زیرا ظهورات با کمک اصول لفظیه حجیت می‌یابند و اصول لفظیه برای کشف و تعیین مقاصد به کار می‌روند (ببینید: انصاری، ج ۳ ص ۴۹۹؛ خراسانی، ص ۳۲۴؛ غروی اصفهانی، ج ۲ ص ۱۶۳). به تعبیر محقق و اصولی گران قدر، مرتضی انصاری، در فرائد الاصول، تمامی اماراتی که برای تشخیص معنای حقیقی الفاظ و ظواهر آن‌ها یا برای تشخیص مقصود و مراد متکلم (مثل اصل اطلاق) به کار می‌آیند، از قبیل «صغری و کبری برای تشخیص مرادند» (ببینید: انصاری، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۵). در نهایت‌النهاییه، آمده است: «حمل کلام بر ظاهرش، ... طریق و پل رسیدن به مراد جدی است» (ایروانی، ج ۱ ص ۲۷۹). از طرفی در نگاه اصولی، اگر معنایی در چارچوب دلالت‌های لفظی (اعم از مدلول مطابقی، تضمینی و التزامی) ننگجد مدلول کلام محسوب نمی‌گردد و به همین جهت رد می‌شود؛ پس از نگاه اصولی، معنای صحیح متن، معنایی است که اولاً در قالب‌های دلالتی بگنجد و ثانیاً مراد متکلم

باشد.

می‌توان نظریه تفسیری صوفیه و باطنیه در مورد قرآن را راجع به نظریه اول دانست؛ زیرا از نظر اکثر ایشان، اساساً معنای ظاهری الفاظ، مقصود نبوده و تفسیر به معنای ظاهری، غلط است. در این نظریه، پای‌بندی به چارچوب‌های محاوره‌ای و دلالت متن، لزومی ندارد. (ببینید: عمید زنجانی، ص ۳۲۲؛ زرقامی، ج ۲، ص ۶۷).

از میان اصولیان شیعه نیز، شاید بتوان شیخ مفید را (تنها در مورد کلام الهی)، معتقد به نظریه دوم دانست. مبنای این نظر ایشان، تفسیر خاصی است که از اراده الهی مطرح کرده‌اند. در نظریه کلامی شیخ مفید، اراده خداوند، فعل اوست، و افعال خدا، مسبوق به چیزی به نام اراده، قصد، عزم و نیت نیست و نمی‌تواند باشد؛ چرا که این امور مستلزم وجود قلب و ذهن برای خدا بوده، و موجب تحقق نقص و عیب در اویند. بر این مبنا، هنگامی که گفته می‌شود، مقصود از این کلام خداوند، این معناست و نه آن معنا، یا عموم است و نه خصوص، منظور این است که خداوند، کلامی آفریده که این معنا از آن فهمیده می‌شود نه آن معنا؛ نه این که خدا حقیقتاً این معنا را قصد کرده و نه آن معنا را (ببینید: شیخ مفید، صص ۱۱-۱۳). بررسی دقیق این نظریه، بحث کلامی مفصلی را می‌طلبد که از محدوده این مقاله، خارج است اما به طور خلاصه، به نظر می‌رسد، می‌توان برای مقصود و مراد خدای متعال، معنایی وسیع‌تر در سایه علم الهی به معانی واژگان یا اهداف تبعی او در نظر گرفت و از این رو، این نظریه کلامی، منجر به این نخواهد شد که در تفسیر کلام الهی، قصدی‌گرایی را صحیح ندانیم.

با توجه به مطالب بالا، می‌توان گفت اصولیان شیعه، به اتفاق قصدی‌گرا هستند (و حتی شیخ مفید نیز که در کلام غیر الهی همین نظر را دارد، اگر می‌توانست معضل تفسیر اراده الهی را حل نماید در تفسیر کلام الهی نیز قصدی‌گرا بود)؛ اما باید دید نظریه مشهور میان اصولیان، با کدام یک از اقسام قصدی‌گرایی سازگار است. در میان ایشان، شاید نتوان کسی را یافت که در جستجوی نیات روان‌شناختی شارع باشد؛ و اساساً به خاطر اعتقاد ایشان به علم بی‌نهایت شارع، شناخت چنین نیاتی از نظر آنها باید محال و ناممکن باشد.

قصدی‌گرایی اصولیان شیعه، معمولاً متمرکز بر قصد معنایی است؛ قصد انگیزشی مورد بحث قرار نمی‌گیرد مگر در خصوص قصد تقیه یا قصد اجمال (از نگاه اصولی، اگر متکلم در مقام اجمال بوده و تنها در صدد تشریح و بیان اصل حکم باشد، نمی‌توان کلام او را مطلق دانست و به لوازم این اطلاق، استناد جست. (ببینید: انصاری، ج ۴ ص ۵۰۵؛ فیاض، ج ۵، ص ۳۶۷) قصد مقوله‌ای نیز اگر چه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد اما اگر بتوان در میان متون شرعی دسته اول نیز انواع و مقوله‌های مختلفی را در نظر گرفت، به

گونه ای که تشخیص این مقوله ها در معنای آن مؤثر باشد (مثلاً تمایز سوره، دعا، خطبه، داستان و ببینید: بستانی، صص ۳۱۰-۲۸۱) این بحث، شایسته بررسی است و باید در کانون بحث های اصولی قرار گیرد.

در مورد قصد واقعی و فرضی باید گفت اگر چه اصولیان در پی کشف مراد واقعی شارع هستند اما این قصد را از نگاه عرف و با قواعد عقلایی تعیین می کنند؛ و به تعبیری به دنبال ظهور عرفی و نوعی کلام می باشند و بیان شد که این مطلب، ریشه در همان ویژگی «احتجاجی» بودن کلام شارع دارد و در هر مورد دیگری نیز که این ویژگی وجود داشته باشد (مثل قوانین و مقررات)، همین مطلب صادق است. با این توضیحات، می توان گفت دیدگاه اصولی موافق با قصد ظاهری و قصد فرضی است؛ اما این قصد، ارزش ذاتی و اصلی ندارد، بلکه از این جهت مورد توجه است که نوعاً کاشف از قصد واقعی است. قصد جدی نیز، از «نظر مصداقی» (و نه مفهومی)، همان قصد واقعی بوده که هدف اصلی کاوش اصولیان است. قصد استعمالی، در حقیقت مقدمه ای برای وجود قصد جدی، و به تبع، راهی برای کشف آن است؛ اما در مواردی که بر اساس شواهد و مدارک معتبر، قصد جدی با قصد استعمالی مخالف باشد، قصد جدی مقدم می گردد (مثل تخصیص عام با مخصّص منفصل).

کاوش اصولی، معمولاً متمرکز بر یافتن قصد درونی است اما از شواهد فرامتنی نیز غفلت نمی کند؛ قصد بیرونی اگر مخالف با ظاهر متن باشد، تنها در صورتی پذیرفته می شود که شاهدی خاص و قوی (اعم از متنی و فرامتنی) آن را تأیید کند؛ از آن جا که قصد مخالف ظاهر، با یکی از احتمالات معنایی متن - هر چند احتمال ضعیف تر - سازگار است، و به این اعتبار، توسط متن پشتیبانی می شود، می توان آن را در سایه شواهد و مدارک معتبر پذیرفت. در این صورت، متن از معنای ظاهری خود به سمت معنای غیرظاهر خود «بازگردانده» می شود. در اصول فقه، به چنین لفظی، «مأول» و به چنین حالتی، «تأویل» گفته می شود (ببینید: مشکینی، ص ۲۳۳). قصد بیرونی اگر مخالف نص باشد، پذیرفته نمی شود؛ از آن جا که قصد مخالف نص، با هیچ یک از احتمالات معنایی متن سازگار نبوده و توسط متن، پشتیبانی نمی شود، نسبت دادن آن به متن، مستلزم نقض متن و تصرف در عبارات آن بوده و از نگاه عرف صحیح نیست. از نگاه اصولی، چنین معنایی نمی تواند معتبر باشد.^۱

اما بحث در مورد دیدگاه اصولیان شیعه به لحاظ قصدی گرایي انحصاری یا شمولی، باید با دقت بیشتری انجام گیرد. اگر معیار قصدی گرایي شمولی، اعتقاد به «معانی فراتر از نیت صاحب اثر» برای اثر باشد، اصولیان شیعه را باید - فی الجمله - در زمره شمول گرایان به حساب آورد. از دیدگاه اصولی، هر

۱. مگر این که اظهار دوم در سایه قواعد باب تعارض، بر عبارت متن، ترجیح یابد؛ که در این صورت، اصل عبارت اول، به عنوان امری جعلی و غیرواقعی، کنار زده می شود و اظهار دوم به عنوان نسخه اصیل و صحیح، جایگزین آن می گردد.

عبارت می‌تواند دلالت بر اموری داشته باشد که مقصود گوینده آن نیست. این امور، در حقیقت لوازم معانی مقصود اویند. این نحوه از دلالت در اصول فقه، «دلالت اشاره» نامیده می‌شود؛ مثل دلالت آیه ی «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»^۱ به ضمیمه آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ»^۲ بر اینکه کم‌ترین مدت حمل، شش ماه است. و یا دلالت آیه نزول قرآن در ماه رمضان، به ضمیمه آیه نزول آن در شب قدر، بر این که شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

اما این که گفتیم اصولیان شیعه را فی الجمله باید قصدی گرای شمولی محسوب کرد، به این جهت است که برای اثبات شمول‌گرایی، پذیرش معنای صحیحی که فراتر از نیت صاحب سخن باشد، حتی در یک مورد، نیز کافی است؛ و اصولیان این گونه اند؛ اما باید توجه داشت که این مطلب، به این معنا نیست که هر آنچه سایر شمول‌گرایان (یا قصدی‌ستیزان) به عنوان معانی متن می‌شمارند، از نظر اصولیان نیز صحیح باشد. این معانی باید به طور خاص مورد بررسی قرار گیرند و با دیدگاه اصولیان مطابقت داده شوند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت، از نگاه دانشمندان اصولی-که مدار استنباط‌های لفظی را فهم عرفی و ظهور نوعی می‌دانند- تنها آن دسته‌ای از معانی را می‌توان مدلول سخن دانست که عرف، این دلالت را بپذیرد. ظاهراً دلالت کلام بر آن چه گاهی «سایه‌های معنایی سخن» نامیده شده (ببیند: هادوی تهرانی، صص ۱۱۱-۱۰۸) نیز در همین چارچوب است. برای نمونه، شخصی را تصور نمایید که از روی حسادت یا عصبانیت، کلامی بر زبان می‌آورد، در حالی که خود، متوجه آن حالت خویش نیست و یا با وجود توجه، در صدد کتمان آن است، اما کلام او به گونه‌ای است که می‌توان از آن، به خوبی حالت حسادت یا عصبانیت او را فهمید. این معانی فهمیده شده، اگر چه مقصود او نبوده اند، اما در شمار سایه‌های معنایی سخن او و مدلول کلام اویند. در چنین مواردی که عرف، این دلالت را می‌پذیرد، این معانی در شمار معانی صحیح کلام، محسوب می‌شوند.

۵) جمع بندی و نتیجه گیری

با مقایسه دو دیدگاه قصدی‌گرایی غربی و قصدی‌گرایی اصولی، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌های دو دیدگاه را مشخص نمود. برخی از قصدی‌گرایان غربی، به دنبال نیات واقعی، و دسته‌ای به دنبال نیات فرضی و ظاهری مؤلفان اند؛ اما اصولیان شیعه، بین دو دسته از متون، تمایز قایل شده اند: متون احتجاجی، که با هدف کشف نیات ظاهری و فرضی متناسبند؛ و متون غیر احتجاجی که با هدف کشف نیات واقعی، متناسب دارند. اصولیان برای کشف نیات ظاهری و فرضی، اصول منظمی را تنظیم کرده اند که به عنوان

۱. احقاف: ۱۱۴ (دوران حمل و از شیر گرفتن او، سی ماه است)
 ۲. بقره: ۲۳۲ (و مادران فرزندان‌شان را دو سال کامل، شیر می‌دهند)

شواهدی عمومی بر نیات مؤلفان، به کمک فهم، می آیند (اصول لفظی و عقلایی)؛ در قصدی گرایبی غربی به این اصول، کمتر توجه شده است. در اصول فقه، معمولاً تکیه بر قصدی گرایبی اصلی است؛ اما اخیراً برخی دانشمندان شیعه بر اهمیت معنای عصری و نقش زمان و مکان در اجتهاد تکیه کرده اند. این مسأله نیز باید در کانون بحث های اصولی قرار گیرد تا ضوابط و معیارهای آن مشخص گردد.

اصولیان شیعه، به تمامی نیات معنایی زبان شناختی، اعم از این که نسبت به متن درونی باشند یا بیرونی - مادام که در تناقض با متن و مخالف نص آن نباشند - توجه می کنند. در نظریه قصدی گرایبی اصولیان شیعه، اساساً نیات روان شناختی، جایگاهی ندارند و حتی به اعمال قواعد روان شناسی برای روان کاوی مؤلف و دست یابی به درون ذهن او، اهمیتی داده نشده است.

در قصدی گرایبی غربی، به نیات مقوله ای، توجه بیشتری شده است و شایسته است، مورد توجه قصدی گرایبی اصولی نیز واقع گردد.

دیدگاه اصولیان شیعه، از آن جا که موافق با وجود «معانی صحیح فراتر از نیت صاحب اثر» برای اثر است، نوعی قصدی گرایبی شمولی است؛ اما در این دیدگاه - که مدار استنباط های لفظی را فهم عرفی و ظهور نوعی می داند - تنها آن دسته ای از معانی را می توان مدلول سخن دانست که عرف، این دلالت را بپذیرد.

منابع

- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، چاپ دهم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۸.
- انصاری، محمد علی، الموسوعة الفقهية الميسرة، چاپ اول، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵.
- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ۴ جلد، تحقیق لجنة تحقیق تراث الشيخ الاعظم، ناشر مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ خانه باقری قم چاپ اول ۱۴۱۹ق.
- ایروانی غروی، علی، نهاییة النهاية، دو جلد، بی تا، (نسخه سی دی کتابخانه اهل البيت عليهم السلام).
- بستانی، محمود، القواعد البلاغية في ضوء المنهج الاسلامي، مشهد، چاپ اول، مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق.
- حکیم، سید عبد الصاحب، منتقى الأصول، تقریرات بحث آیت الله سید محمد حسینی روحانی، ۷ جلد، چاپ الهادی، چاپ دوم ۱۴۱۶ق.
- خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، چاپ اول، تحقیق ونشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ق.
- خینی موسوی، امام، سید روح الله، صحیفه نور، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

- خوئی، سید ابوالقاسم، *اجود التقریرات*، تقریرات میرزایی نائینی، ۲ جلد، ناشر مؤسسه مطبوعاتی دینی حکم، چاپخانه اهل بیت (ع) چاپ دوم ۱۴۱۰ق.
- روحانی حسینی، سید محمد صادق، *زبدة الاصول*، ۴ جلد، ناشر مدرسه الامام الصادق (ع)، چاپخانه قدس، چاپ اول ۱۴۱۲ق.
- زرقامی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۳ق.
- سبحانی، جعفر، *الموجز فی اصول الفقه*، نشر موسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰ق.
- سبحانی، جعفر، *الوسیط فی اصول الفقه*، نشر موسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۹ق.
- شیخ مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان العکبری البغدادی، *مسأله فی الارادة*، چاپ دوم، نشر دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- صدر، سید محمدباقر، *دروس فی علم الاصول (حلقات)*، دارالکتاب اللبنانیة مکتبه المدرسه، چاپ دوم: ۱۴۰۶ق.
- طاهری، سید صدر الدین، «اصول الفقه الاسلامی والهرمنیوطیقا»، در: <http://www.islamicfeqh.com/al-menhaj/Almen24/> almin201.htm
- عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
- فضیلت، محمود، *معنا شناسی و معانی در زبان و ادبیات*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه رازی، چاپ و نشر انتشارات طاق بستان، کرمانشاه ۱۳۸۵.
- فیاض، محمد اسحاق، *محاضرات فی اصول الفقه*، تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، ۵ جلد، ناشر دارالهادی للمطبوعات، قم، چاپخانه صدر، چاپ سوم ۱۴۱۰ق.
- غروی اصفهانی، محمد حسین، *نهایة الدراية فی شرح الکفایة*، تحقیق و تعلیق مهدی احدی امیر کلائی، ۳ جلد، چاپ اول، انتشارات سید الشهداء، قم، ۱۳۷۴.
- کاظمی خراسانی، محمد علی، *فوائد الاصول*، تقریرات بحث آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی (۱۳۵۵) باتعلیق: آية الله الشيخ آقا ضياء الدين العراقي، با تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، ۴ جلد، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول: ۱۴۰۹ق.
- مشکینی، علی، *اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها*، الهادی، قم، چاپ چهارم: ۱۴۱۳ق.
- مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، دو جلد، چاپ اول، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
- معرفت، محمد هادی، *اقتراح (مصاحبه)*، *مجلة نقد و نظر*، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، *اقتراح (مصاحبه)*، *مجلة نقد و نظر*، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۴.
- منتظری نجف آبادی، حسین علی، *نهایة الاصول*، تقریر بحث آیت الله حسین طباطبائی بروجردی، ۲ جلد، چاپ قدس، چاپ اول، قم، ۱۴۱۵ق.

هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلام اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، چاپ دوم، قم، مؤسسه خانه خرد، ۱۳۸۱.
 هوی، دیوید کوزنز، حلقه انتقادی: ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی، ترجمه مراد فرهاد پور، چاپ سوم، نشر
 روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۸۵.

Allen, Graham, *Intertextuality, New Critical Idiom*, Taylor & Francis Routledge, London & New York, 2000.

Davies, Stephen, Authors "Intentions, Literary Interpretation, and Literary" Value, In: *The British Journal of Aesthetics* 2006 46(3):223-247.

Lamarque, Peter, "The intentional fallacy", in Waugh, Patricia, *Litirary Theory and Criticism: an Oxford guide*, Oxford Univresity Press Inc., New York, 2006.

Mantzavinos, Chrysostomos, *Naturalistic Hermeneutics*, Translated from German by Darrell Arnold, cambridge university press, Cambridge, New York, Melbourne, Madrid, Cape Town, Singapore, São Paulo, 2005.

Mikkonen, Jukka, Intentions and Interpretations: Philosophical Fiction as Conversation, Published, January 27, 2009, www.contempaesthetics.org/newvolume/pages/article.php?articleID=526

Noël, Carroll, "Interpretation and Intention: The Debate between Hypothetical and Actual Intentionalism", In *Journal: Metaphilosophy*, Volume 31 Issue 1&2, 2000, Pages 75 – 95 (Published Online: 24 Jan 2003)

Spoerhase, Carlos, Hypothetischer Intentionalismus, Rekonstruktion und Kritik, *Citation Information. Journal of Literary Theory*. Volume 1, Issue 1, Pages 81–110, August, 2007.

Stecker, Robert, *Interpretation and Construction Art, Speech, and the Law*, Blackwell, The united kingdom, 2003.

Wolterstorff, Nicholas, Resuscitating the Author, in Kevin J. Vanhoozer, James K. A. Smith, and Bruce Ellis Benson (Ed.), *Hermeneutics at the Crossroads*, Indiana University Press, Bloomington and Indianapolis, USA 2006.